



A Research on the Superior Form of Hijab from the Perspective of the Quran

Ahmad Taherinia  / Assistant Professor, Department of Exegesis and Quranic Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
taheri@iki.ac.ir

Received: 2025/10/13 - **Accepted:** 2025/12/06

Abstract

Given the abundance of various garments available in the women's clothing market, and the inherent human inclination toward selection and preference for the superior, the question arises for veiled and hijab-observant women: What constitutes the superior form of hijab, and what are its distinguishing characteristics? Which garment possesses these features, and which is preferable for the selection of Islamic hijab? Imam Khomeini—may God's mercy be upon him—and certain marajī' al-taqlīd (sources of emulation) have identified the Iranian chador as the superior form of hijab. Nevertheless, the question remains: What are the criteria and standards by which the superior hijab is determined, through which characteristics is it recognized, and why is the chador deemed superior? The present article, with the aim of addressing these questions, examines the superior form of hijab from the perspective of the Quran and arrives at the conclusion that the superior hijab is one that is thick, loose, long, and simple; in general, the more comprehensively and effectively it conceals a woman's adornment from the gaze of non-mahram men, the more it conforms to the ideal.

Keywords: superior hijab, chador, jilbāb, khimār.

نوع مقاله: پژوهشی

پژوهشی در زمینه حجاب برتر از دیدگاه قرآن

taheri@iki.ac.ir

احمد طاهری نیا  / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

چکیده

با توجه به وجود انبوهی از پوشش‌های مختلف در بازار لباس زنان و سرشت انتخابگری و میل به انتخاب برتر در انسان، این سؤال برای زنان محجبه و باورمند به حجاب مطرح می‌شود که حجاب برتر چیست و چه ویژگی‌ای دارد؟ کدام لباس دارای این ویژگی است و برای انتخاب حجاب اسلامی بهتر است؟ امام شهید - رضوان الله تعالی علیه - و برخی از مراجع تقلید در پاسخ به این سؤال، چادر ایرانی را حجاب برتر دانسته‌اند؛ اما همچنان این سؤال باقی است که معیار و میزان حجاب برتر چیست و با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود و چرا چادر حجاب برتر است؟ مقاله پیش رو به هدف پاسخ به این پرسش‌ها، به بررسی حجاب برتر از دیدگاه قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که حجاب برتر حجابی است که ضخیم، گشاد، بلند و ساده باشد و به‌طور کلی هرچه بیشتر و بهتر زینت زن را از چشم نامحرم پنهان کند.

کلیدواژه‌ها: حجاب برتر، چادر، جلباب، خمار.

انسان موجودی است گزینشگر و به‌طور طبیعی در عرصه‌های مختلف زندگی به‌دنبال انتخاب اصلح و گزینش بهتر است. یکی از نیازهای زندگی انسان پوشش و لباس است که زن و مرد در این امر نیز به‌دنبال گزینش بهترند. این مسئله، در مورد پوشش بانوان در بیرون از خانه، در محل کار و اداره بیشتر مورد سؤال و پرسش زنان باورمند به حجاب است. وجود انبوهی از پوشش‌های مختلف و متنوع با انواع مدل‌ها و طرح‌ها، در اندازه‌های متفاوت و رنگ‌های گوناگون برای بانوان در بازار لباس و فروشگاه‌های عفاف و حجاب، این پرسش را در ذهن بانوان متدین ایجاد می‌کند که حجاب برتر چیست و بانوان با چه پوششی در انظار عموم ظاهر شوند، بهتر است؟

در پاسخ به این پرسش، مقام معظم رهبری، امام شهید خامنه‌ای^ع چادر را حجاب برتر دانسته و فرموده‌اند: چادر بهترین نوع حجاب است (۱۳۷۰/۱۰/۰۴)؛ چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است (۱۳۷۳/۰۷/۲۰) و در سخنرانی دیگر، به‌خصوص درباره چادر ایرانی فرمودند: چادر ایرانی حقیقتاً حجاب برتر است (۱۳۷۷/۱۲/۰۴). حضرت آیت‌الله سیستانی نیز در رساله عملیه خود مرقوم فرموده‌اند: بهترین نوع پوشش و حجاب برای بانوان، چادر مشکی است و شایسته است که بانوان از آن به‌عنوان حجاب کامل و برتر در برابر نامحرم استفاده کنند؛ هرچند پوشش به‌مقدار واجب با لباس‌های دیگر محقق شده باشد (سیستانی، ۱۴۰۱، ج ۴، مسئله ۲۸). حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به این پرسش که «حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟» فرموده‌اند: بر زنان و دختران لازم است که تمام بدن خود، به‌جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ را در مقابل نامحرم بپوشانند؛ و این مقدار با هر نوع لباس غیرزینتی که تنگ و چسبان نباشد، پوشیده شود، کافی است؛ هرچند چادر حجاب برتر است (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، احکام حجاب، حجاب بانوان). حضرت آیت‌الله مظاهری نیز می‌فرماید:

چادر یک حجاب مذهبی و ملی است و اگر زن‌ها آن را از دست بدهند و یا - العیاذ بالله - در جامعه به‌صورت ضدارزش درآید، خسارت فراوانی دارد و زن ایرانی که همیشه حتی قبل از اسلام شهرت به عفت داشته، نباید این حجاب مذهبی و ملی را از دست بدهد و باید زن‌های باعفت و مردهای باعفت بدانند که از دست دادن آن، مقدمه برای بدحجابی و بی‌حجابی است و اگر چنین شد - العیاذ بالله - گناه آن دامن‌گیر کسی می‌شود که آن مقدمه را فراهم نموده است. علاوه بر اینها، از مسائل قبل معلوم شد که در بسیاری از موارد، زن باید صورت و دست‌های خود را از نامحرم بپوشاند و پوشانیدن صورت احتیاج به چادر دارد (مظاهری، رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۹۶۰).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که حجاب برتر چیست و چه معیاری برای تعیین آن وجود دارد و با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟ قرآن چه پوششی را حجاب برتر دانسته و چه ویژگی‌هایی برای آن ذکر کرده است؟ چرا در بین لباس‌های مورد استفاده بانوان برای حجاب، چادر حجاب برتر دانسته شده است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهش قابل ملاحظه‌ای که این مسئله را بررسی کرده باشد، به‌خصوص بررسی قرآنی و بیان دیدگاه قرآن، یافت نشد. با جست‌وجو از طریق اینترنت در خصوص این مسئله، در دو اثر پژوهشی عنوان «حجاب برتر» به شرح زیر مشاهده شد:

۱. کتاب فلسفه چادر، حجاب برتر، از اسدالله محمدی‌نیا که در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات سبّط اکبر منتشر شده است. در این کتاب، چنان‌که در عنوان آن آمده، بحث اصلی درباره فلسفه چادر به‌عنوان حجاب برتر است. از این‌رو مباحثی که در این کتاب آمده، درباره اهمیت استفاده از چادر در قرآن و استفاده زنان اشکانی و ساسانی از چادر به‌عنوان پوشش است؛ ولی درباره چیستی حجاب برتر و ملاک و معیار آن و دیدگاه قرآن درباره این مسئله بحثی نشده است.

۲. مقاله «رویکردی قرآنی به گونه‌ها و مدل‌های برتر و نازل حجاب»، از فروغ نیلچی‌زاده که در سال ۱۳۸۵ در شماره ۱۰ مجله بانوان شیعه منتشر شده است. نویسنده در این مقاله حجاب را به اقسام ذیل تقسیم و درباره هر یک به تفصیل بحث کرده است: حجاب نگاه، حجاب گفتار، حجاب رفتار، حجاب فیزیکی بدن و حجاب قلب. این مقاله، هرچند از نظر عنوان نزدیک به پژوهش حاضر است، ولی نویسنده حجاب را به‌معنای بسیار گسترده در نظر گرفته، که یکی از اقسام آن، حجاب فیزیکی - یعنی حجاب شرعی - است و یکی دیگر از اقسامش حجاب قلب است که غیر از حجاب مصطلح شرعی است. همچنین در این مقاله، حجاب فیزیکی حجاب مرتبه نازل و حجاب برتر رعایت اقسام پنج‌گانه دانسته شده است که این مطلب با اصطلاح حجاب برتر در عرف جامعه و آنچه در رساله‌های عملیه آمده، کاملاً متفاوت است.

بنابراین، فقدان پیشینه پژوهشی در این مسئله از دیدگاه قرآن، دلیل بر ضرورت این پژوهش است. مقاله حاضر به هدف بیان چیستی حجاب برتر، معیار تشخیص و ویژگی‌های آن، به بررسی حجاب برتر از دیدگاه قرآن در چهار محور می‌پردازد: نخست حجاب شرعی از منظر قرآن، دوم اهداف حجاب در قرآن، سوم معیار حجاب برتر در قرآن و چهارم ویژگی‌های حجاب برتر از دیدگاه قرآن.

۱. حقیقت حجاب از منظر قرآن

هر یک از احکام الهی که به‌صورت امر و نهی در قرآن آمده، روی عمل خاصی رفته یا به رفتار خاصی از انسان تعلق گرفته است؛ برای مثال، امر به نماز و زکات در آیه «وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكُوعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ» (بقره: ۴۳) روی صلات و زکات رفته و به این دو عمل انسان تعلق گرفته‌اند؛ از این‌رو متعلق امر در آیه یادشده، صلات و زکات هستند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا» (آل عمران: ۱۳۰) نیز نهی «لا تأكلوا» به «ربا» تعلق گرفته است. اکنون سؤال این است که دستور حجاب در قرآن روی کدام عمل اختیاری زن رفته و به چه چیزی تعلق گرفته است. به عبارت دیگر، «متعلق حکم حجاب» چیست؟

در آیات قرآن سه عمل اختیاری زن، متعلق امر و نهی حجاب واقع شده است: یکی «ابداء زینت» به‌معنای آشکار کردن زینت و کشف حجاب؛ دوم «ضرب خمار بر جیوب» به‌معنای سر کردن روسری و قرار دادن اطراف آن روی سینه؛ و سوم «ادناء جلباب علیهن» به‌معنای پوشیدن چادر و انداختن آن روی بدن. بنابراین، حکم حجاب در قرآن روی سه عمل رفته و به سه چیز تعلق گرفته است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۱. ابداء زینت

در آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور: ۳۱)، زنان از کشف حجاب و آشکار کردن زینتشان برای نامحرم نهی شده‌اند؛ بنابراین، عمل کشف حجاب طبق صریح آیه، مورد نهی است. از سوی دیگر، از آنجاکه آشکار نکردن زینت بدون مخفی کردن و پنهان کردن آن امکان‌پذیر نیست - چون آشکار کردن و مخفی کردن دو کار متضادند - بنابراین نهی از ابداء زینت، مستلزم امر به اخفای زینت و پوشاندن آن است؛ در نتیجه، آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» مشتمل بر دو دستور سلبی و ایجابی در راستای حجاب است: یکی نهی از «ابداء زینت زنان» و دوم امر به «مخفی کردن زینت زنان»؛ با این تفاوت که دستور سلبی، لفظی و مربوط به منطوق آیه بوده و دستور ایجابی، غیرلفظی و مربوط به مفهوم و دلالت التزامی آیه است. اکنون سؤال این است که مفهوم «زینت» و مصادیق آن، که زن از ابداء آن نهی و به اخفای آن امر شده، چیست و کدام است؟

کلمه «زینت»، اسم جنس برای چیزهایی است که به وسیله آنها چیزهای دیگر دلپسند و زیبا می‌شوند (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۸۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۹۲؛ ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۳، ص ۱۷۴؛ جوهری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۱۳۲؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۸۳۱؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۹۴). بنابراین، زینت چیزی است که فی‌نفسه زیبا و دلپسند است و با اتصال و الحاق به چیز دیگر، آن را نیز جذاب و دلپسند می‌کند. از این رو «زینت زنان» چیزهایی هستند که سبب جذابیت و دلپسندی زنان می‌شوند.

در روایات برای زینت زن دو گونه مصداق ذکر شده است: یکی زینت‌های طبیعی، یعنی اندام زن (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۲)؛ و دوم زینت‌های مصنوعی، یعنی چیزهای که به بدن زن متصل شده یا به آن مالیده می‌شود؛ مانند سرمه و انگشتر (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲)، گردن‌بند، گوشواره، بازوبند، خلخال و لباس (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۱؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱).

در نتیجه، کلمه «زینت» در آیه یادشده، متعلق امر و نهی، مطلق، و دارای دو گونه مصداق است و زنان در این آیه از آشکار کردن مطلق زینت‌های خود برای نامحرم ممنوع شده‌اند: هم زینت‌های طبیعی، یعنی اندام و اعضای بدنشان و هم زینت‌های مصنوعی، یعنی آرایش‌ها و جواهرات متصل به آنها؛ و به مخفی کردن و پوشاندن آنها از نامحرم امر شده‌اند؛ به جز زینت‌های ظاهر، یعنی وجه و کفین، که با جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» از حکم نهی استثنا شده‌اند.

۱-۲. ضرب خمار

در آیه یادشده، در جمله «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱) زنان به «ضرب خمار بر جیوب» امر شده‌اند که به معنای قرار دادن روسری بر سر و آویختن بر روی گریبان و سینه است. نکته قابل توجه در این آیه این است که عمل مورد امر، «ضرب خمار...» است، نه «اختمار». تفاوت معنای این دو تعبیر این است که «اختمار» مصدر باب

افتعال از ماده «خمر» به معنای مطلق پوشش سر با «خمار» است. «ختمرت المرأة وتخمرت»، در لغت به «إِذَا تَقَعَّت بِالْخِمَارِ» معنا شده است و قید خاصی ندارد (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۵۹۲)؛ ولی «ضرب الخمار علی الجیوب»، طرز خاصی از اختمار است که هدف از آن، پوشاندن سر و اطراف آن تا گریبان است. آنچه خداوند در این آیه از زنان خواسته، طرز خاصی از پوشش سر با خمار است که سر، گردن، گوش و گریبان تحت خمار قرار می گیرند و پوشانده می شوند؛ برخلاف طرزی که در بین زن های عرب در زمان نزول قرآن مرسوم بوده است که گردن، گوش ها و بالای سینه آشکار بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۱).

۱-۳. ادناء جلباب

عمل سومی که در آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» (احزاب: ۵۹) در قالب جمله خبریه از زن خواسته شده، «ادناء جلباب به اندام زنان» است. ادناء جلباب به معنای انداختن و آویزان کردن چادر و کنایه از پوشیدن و قرار دادن جلباب بر روی اندام زنان است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۳۲۸). زمخشری جمله «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» را به «یرخینها علیهنّ، ویغطین بها وجوههنّ وأعطافهنّ» (بر روی خود بیندازند و با آن صورت و اطراف آن را بپوشانند) معنا کرده و گفته است: «یقال: إِذَا زَلَّ الثَّوبُ عَنْ وَجْهِ الْمَرْأَةِ: أَدْنَى ثَوْبِكِ عَلَى وَجْهِكَ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰)؛ یعنی وقتی نقاب از روی صورت زن کنار رفت، به او گفته می شود که نقابت را روی صورتت بینداز. بنابراین، تعبیر «ادناء جلباب» اشاره به این نکته است که صرف سر کردن جلباب و رها کردن آن روی بدن، مانند عباّی که آقایان روی دوش می اندازند و اطرافش رهاست، کافی نیست؛ بلکه زن باید چادرش را روی بدنش قرار دهد و اندام و اعضای خود را با آن از نامحرم بپوشاند. از این رو علامه طباطبائی جمله «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» را به پوشاندن اندام به وسیله جلباب و مخفی کردن آن از دید نامحرم تفسیر کرده است (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۳۹).

اکنون که روشن شد حکم حجاب در قرآن روی سه عمل اختیاری زن رفته و به سه عمل امر و نهی شده است، این سؤال مطرح می شود که حجاب از نگاه قرآن چیست؟ آیا مجموع این سه عمل، حجاب است؟ یعنی زن، هم موظف است زینتش را برای نامحرم آشکار نکند، هم روسری اش را به طرز مخصوصی ببندد و هم چادرش را روی اندامش بیندازد و بدنش را با آن بپوشاند؟ یا اینکه هر یک از این اعمال به تنهایی و مستقل حجاب اند و زن به هر کدام عمل کند، حجاب شرعی را رعایت کرده است؟ یا اینکه یکی از این سه عمل، حقیقت و ماهیت حجاب است که عبارت است از آشکار نکردن زینت برای نامحرم، و دو عمل دیگر - یعنی سر کردن روسری و چادر - وسیله تحقق حجاب و ابزار آشکار نکردن زینت اند؟ در حقیقت، در آیه درباره دو چیز بحث شده و به دو چیز امر شده است: یکی حجاب و دوم ابزار و اسبابی که حجاب با آن محقق می شود و زن با آن زینتش را می پوشاند و مانع آشکار شدن آن برای دیدگان نامحرم می شود.

با دقت در متعلق سه دستور یادشده، به خوبی روشن می شود که متعلق نهی در جمله «لَا يُّدْنِينَ زِينَتَهُنَّ»، یعنی

آشکار نکردن زینت و پوشاندن آن از نامحرم، حقیقت حجاب است و دو متعلق دیگر، یعنی «ضرب خمار» و «ادناء جلباب» مربوط به استفاده از ابزار حجاب و راهکار عملیاتی کردن دستور اول هستند و لذا اگر زن با هر ابزار و وسیله‌ای به این نهی عمل کند، به وظیفه و تکلیف خود عمل کرده است؛ حتی اگر به صورت عدم خروج از خانه، بنابراین زنی که از خانه خارج نمی‌شود نیز با بیرون نرفتن از خانه زینتش را برای نامحرم آشکار نکرده و به نهی «لا یبدین زینتهن» عمل کرده است و لازم نیست به دو دستور دیگر، یعنی «ضرب خمار» و «ادناء جلباب» عمل کند؛ چون مقنعه و چادر ابزار و وسیله حجاب‌اند و زنی که از خانه خارج نمی‌شود، خانه را برای خود وسیله آشکار نکردن زینت قرار داده است. بنابراین، قرآن در این آیات از دو چیز سخن گفته است: یکی از «حجاب» و دوم از «ابزار حجاب و طرز استفاده از آن»؛ و اگر به «خمار» و «جلباب» حجاب گفته می‌شود، از باب مجاز مرسل و نام‌گذاری شیء به اسم سبب است.

بنابراین، حقیقت حجاب از دیدگاه قرآن آشکار نکردن زینت زن برای نامحرم است؛ یعنی زن موظف است زینتش را برای اجنبی آشکار نکند. این عمل به هر وسیله و با هر چیزی محقق شود، به دستور حجاب عمل شده و کافی است. مهم این است که زینت زن برای مرد نامحرم نمایان نباشد و اگر در آیات یا روایات سخن از خمار (مقنعه) و جلباب (چادر) یا قمیص (پیراهن) و درع (پیراهن) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۴) به میان آمده، از این جهت است که عملی شدن این نهی و آشکار نشدن زینت زن، بدون این ابزارها ممکن نیست؛ زیرا اندام انسان به طور طبیعی برهنه و آشکار است و آشکار نکردن آن نیازمند چیزی است که روی آن انداخته و با آن پوشانده شود؛ از این رو زن باید با پارچه‌ای اندام خود را بپوشاند یا خود را پشت چیزی مانند دیوار یا پرده مخفی کند تا اندامش در معرض دید نامحرم قرار نگیرد یا در تاریکی یا دود و غبار غلیظ قرار گیرد که همه اینها ابزار و وسیله‌ای برای آشکار نشدن زینت زن هستند. بر این اساس، اگر زن لباس‌های متعدد بپوشد، ولی زینتش آشکار باشد یا اساساً لباسی که می‌پوشد، لباس زینت باشد، حقیقت حجاب را محقق نکرده است.

دفع شبهه

برخی از نویسندگان، تعدد متعلق حجاب در قرآن را دلیل بر مراتب حجاب شرعی گرفته و آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» را بیانگر حجاب حداقلی و آیه «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» را بیانگر حجاب حداکثری دانسته و گفته‌اند:

دین مبین اسلام برایضعای دینداران حجاب حداقلی را پذیرفته است و برای پیشنانان در دینداری حجاب حداکثری را؛ و چنان‌که بر همه مکلفان یکی از این دو قسم حجاب تحمیل شود، جفایی بزرگ صورت گرفته است؛ یعنی اگر حجاب نازل «خمار» حجاب قرآنی قلمداد شود، باز تولید جامعه ارزشی در این حیطه به ورطه فراموشی سپرده می‌شود و چنانچه فقط حجاب برتر یا حجاب فراگیر «جلباب» حجاب مورد تأیید قرآن دانسته شود، مؤمنان ضعیف از دایره دینداری خارج می‌شوند. حال آنکه اگر تمام ابعاد پنج‌گانه حجاب قرآنی که سرچشمه از حیای پسندیده دارد و ثمره آن پاکدامنی است، مورد بازشناسی، اهتمام و ترویج صحیح قرار گیرد، قطعاً جامعه اسلامی

به حقیقت آن راه می‌گشاید. پوشیدگی بر اساس حجاب قرآنی، زن مؤمن، جامعه اسلامی و خانواده مسلمانان را از ظلم‌ها و ظلمت‌های بسیار می‌رهاند (نیلچی‌زاده، ۱۳۸۵).

در خصوص این ادعا ابهامات و اشکالاتی فراوانی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:
اولاً هیچ تبیینی مبنی بر دلالت آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» بر حجاب حداقلی و دلالت آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» بر حجاب حداکثری ارائه نشده است؛

ثانیاً ملاک و میزانی برای ضعفای دینداران و پیشتازان در دینداری بیان نشده است و روشن نیست که با چه شاخصی باید آنها را از یکدیگر جدا کرد تا هر گروهی حجاب خود را انتخاب کند؛

ثالثاً مواضع لزوم پوشش در حجاب حداقلی و مواضع پوشش در حجاب حداکثری بیان نشده است و معلوم نیست که این دو سطح از حجاب، در چه موضعی با هم اختلاف دارند؛

رابعاً اگر مقصود از ضعفای دینداران، زنان اهل تهمامه، بادیه‌نشین، اهل سواد (عراق قدیم) و زنان بی‌پروایی هستند که موی خود را نمی‌پوشانند و اگر هم از آن بازداشته شوند، نوعاً نمی‌پذیرند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۹)، باید گفت: اولاً این تقسیم مربوط به روایات است و در قرآن نیست؛ ثانیاً مربوط به جواز نگاه به آنان است، نه مربوط به حجاب زنان.

۲. اهداف حجاب در قرآن

ارزیابی انواع حجاب و توصیف آنها به خوب و خوب‌تر متوقف بر شناخت اهداف حجاب و مقایسه انواع حجاب با اهداف آن است. از این‌رو در این قسمت به بررسی اهداف حجاب در قرآن می‌پردازیم. مقصود از اهداف حجاب، منافع، فواید و آثار مثبت حجاب و مضرات و پیامدهای منفی‌ای است که به برخی از آنها در قرآن اشاره شده است و قانون‌گذار اسلام به هدف دستیابی انسان‌ها به آثار مثبت حجاب و مصونیت و دور ماندن از پیامدهای منفی بی‌حجابی به تشریح این حکم برای زنان اقدام کرده است. بنابراین، اهداف حجاب، در حقیقت منطق علمی و پشتوانه عقلی حکم حجاب‌اند.

۲-۱. طهارت و پاکیزگی معنوی

یکی از اهدافی که در آیات برای وجوب حجاب بر زنان در تعامل آنان با مردان نامحرم بیان شده، پاکیزه‌تر ماندن قلب زنان و مردان از وسوسه‌های شیطانی است. بدون شک ارتباط مستقیم زن و مرد نامحرم و عدم رعایت حدود شرعی سبب نفوذ وسوسه‌های شیطانی در قلب زن و مرد می‌شود و با تکرار و گسترده‌تر شدن آن، وسوسه شیطان نیز شدت می‌گیرد و سبب کدورت قلب و از بین رفتن صفای نفس می‌شود و گاه انسان را به انحراف و سقوط می‌کشانند؛ اما اگر تعامل زن و مرد با رعایت حدود شرعی باشد، قلب از وسوسه شیطان دور خواهد شد و پاکیزه‌تر باقی خواهد ماند. از این‌رو خداوند متعال به مردان زمان نزول دستور می‌دهد که هرگاه در امور زندگی وسیله و متاعی خواستید که لازم شد به خانه پیامبر ﷺ مراجعه کنید و از همسران آن حضرت سؤالی بپرسید یا چیزی بگیرید، از پشت پرده درخواست

خود را مطرح کنید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»؛ سپس علت این دستور را چنین بیان می‌کند: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»؛ یعنی رعایت این دستورالعمل، برای پاکیزه‌تر ماندن قلوب شما بهتر است. کلمه «حجاب» در این آیه به معنای پرده است و مخاطب آن نیز مردان اند و از آنان خواسته شده است که از پشت پرده با همسران رسول الله ﷺ سخن بگویند و درخواست خود را مطرح کنند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۵۷۶؛ طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۳۷). گرچه این دستور مخصوص ارتباط مردان با همسران پیامبر ﷺ و فوق پوشش زن از نامحرم است که آنان را از ملاقات مستقیم با همسران نیز منع می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۲)، اما حکمتی که برای آن ذکر شده، عام است و شامل پوشش زنان از نامحرم نیز می‌شود.

۲-۲. سد زمینه‌های فساد و هوسرانی

یکی دیگر از اهداف حجاب، پیشگیری از ایجاد زمینه طمع‌ورزی و نیت سوء در افراد ضعیف‌الایمان است که در آیه «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۳) به آن اشاره شده است. این آیه، گرچه درباره همسران پیامبر ﷺ است و آنان را از ناز و کرشمه در گفتار با مردان نامحرم نهی کرده، اما خصوصیتی برای اختصاص این دستور به همسران رسول خدا ﷺ وجود ندارد و درباره سایر زنان نیز جریان دارد (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۰۸). بنابراین، همان‌گونه که یکی از اهداف نهی از به‌کارگیری زبان نرم در گفتار زنان با مردان نامحرم، جلوگیری از ایجاد زمینه تحریک شهوت جنسی است، به‌طریق اولی این هدف در نهی از کشف حجاب در آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱) نیز وجود دارد.

۲-۳. جلوگیری از آزار جنسی

در شأن نزول آیه «ذَلِكَ ادْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَ» (احزاب: ۵۹) آمده است: زنانی که برای ادای فریضة مغرب و عشا در مسجد حاضر می‌شدند، در تاریکی شب مورد آزار جنسی مردان هوسران - که در مسیر آنان بودند - واقع می‌شدند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۶). با نزول آیه حجاب و استفاده زنان پاکدامن از پوشش مناسب، این مشکل از سر راه زنان پاکدامن برداشته شد. از این گزارش به‌خوبی استفاده می‌شود که یکی از آثار مهم حجاب، ارتقای ضریب امنیت جنسی زنان مؤمن در جامعه است.

۲-۴. حفظ هویت انسانی زن

کشف حجاب در انظار عموم و به نمایش گذاشتن جذابیت جنسی زن در جامعه، سبب می‌شود که بعد جسمی و جنسی زن مورد توجه قرار گیرد و برجسته شود و شأن و منزلت زن در سطح کالای جنسی و ابزار دفع شهوت مرد تنزل پیدا کند و هویت انسانی و بعد معنوی او تحت‌الشعاع قرار گیرد و به آن توجهی نشود. آیه «ذَلِكَ ادْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَ» (احزاب: ۵۹) اشاره به این است که یکی از اهداف بزرگ حجاب، توجه به هویت انسانی و بعد معنوی زن در جامعه است، نه بعد حیوانی و شهوانی وی.

۳. معیار تشخیص حجاب برتر

توصیف هر چیزی به وصف برتر، برآیند بررسی و مقایسه دو شیء مشابه در رابطه با اهداف آن شیء و نتایج و آثار است که بر آن مترتب می‌شود. از این رو هر اندازه یک عمل و رفتار در مقایسه با فرد مشابهش به هدف نزدیک‌تر و نتایج و آثار متوقع از آن بهتر و بیشتر باشد، برتر خواهد بود. از باب مثال، برای ارزیابی و توصیف یک نماز به وصف برتر باید آن نماز را با اهداف آن مقایسه و نسبت‌سنجی کرد؛ مانند یاد خدا: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴) و بازدارندگی از زشتی‌ها و دوری از منکرات: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵). هر اندازه آن نماز به اهداف یادشده نزدیک‌تر باشد و یاد خدا را بهتر و بیشتر در قلب نمازگزار زنده بدارد و صاحبش را از فحشا و منکر بازدارد، نسبت به مشابهش بهتر و برتر خواهد بود.

بنابراین، معیار کلی برای تشخیص برتر در همه امور، از جمله حجاب، سنجش و مقایسه آن با اهداف، آثار و نتایج متوقع و مورد انتظار از آنهاست. از این رو هر اندازه حجاب زن به اهدافی که قرآن برای آن ذکر کرده است، نزدیک‌تر و آثار و نتایج آن برای زن بهتر و بیشتر باشد، آن حجاب از دیدگاه قرآن نسبت به افراد مشابهش برتر و بهتر خواهد بود؛ اما آن‌جاکه بیانات کلی نمی‌تواند در عمل افراد تأثیری داشته باشد، لازم است به صورت جزئی و مصداقی حجاب برتر از دیدگاه قرآن بیان شود که این امر مستلزم بیان ویژگی‌های حجاب برتر در قرآن است.

۴. ویژگی‌های حجاب برتر در قرآن

لباس‌هایی که زنان برای رعایت حجاب از نامحرم و جلوگیری از آشکار شدن زینتشان می‌پوشند، از جنبه‌های مختلفی مانند رنگ، تنگی و گشادی، کوتاهی و بلندی، دوخت و مدل، و چشم‌نوازی متنوع‌اند و در نتیجه در مقایسه با تأمین اهداف حجاب و آثار و نتایج متوقع از آن نیز متفاوت‌اند؛ برخی دارای ویژگی‌های همسو با اهداف حجاب‌اند و برخی همسوتر و نزدیک‌تر به اهداف‌اند؛ از این رو برخی به حجاب خوب و برخی به خوب‌تر و برتر توصیف می‌شوند. در ذیل، برخی از ویژگی‌های حجاب برتر در قرآن را بیان می‌کنیم.

۴-۱. میزان ضخامت

از آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» که زنان را از آشکار کردن زینتشان برای نامحرم نهی کرده است، استفاده می‌شود که اِزار حجاب باید وصف پوشاندگی و پنهان‌کنندگی داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت، زینت زن را مخفی نمی‌کند و حد نصاب حجاب را ندارد و حجاب نیست. از سوی دیگر، اگر لباس دارای حداقل ضخامت باشد و زینت زن را مخفی کند، مقبول و خوب است و اگر بیشتر از آن باشد، خوب‌تر است. از این رو میزان ضخامت لباس با هدف و غرض حجاب، ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی هرچه کیفیت ضخامت حجاب بهتر و وصف پوشاندگی آن بیشتر باشد، با هدف حجاب هماهنگ‌تر خواهد بود. آیه «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب: ۵۳) نیز بر لزوم این

وصف برای حجاب دلالت دارد؛ زیرا مراد از حجاب در این آیه نیز چیزی است که مانع مواجهه مستقیم مردان با همسران پیامبر ﷺ و رؤیت آنان شود. بنابراین میزان ضخامت حجاب بخشی مهمی از حجاب شمرده می‌شود. این وصف، در پوشش نماز نیز لازم شمرده شده است. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره پوشش زن در نماز نقل کرده است: «وَالْمَرْأَةُ تَصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمَقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۹۴)؛ یعنی زن باید با مقنعه و پیراهن ضخیم که ساتر بدن باشد، نماز بخواند. بنابراین یکی از ویژگی‌های حجاب برتر، میزان بالای ضخامت و پوشاندگی اوست.

۴-۲. تعدد پوشش

قرآن در آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱) زن را به پوشیدن مقنعه به طرز خاص امر کرده است. «خمار» پوشش سر و اطراف آن است و زینت‌های قسمت بالای اندام زن را از نامحرم می‌پوشاند. در آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...» (احزاب: ۵۹) مجدداً همه زنان را به استفاده از جلباب امر کرده که پوشش سرتاسری است و همه اندام زن را از نامحرم می‌پوشاند. از اینکه قرآن برای پوشش زن دو لباس پیشنهاد کرده که یکی مانع آشکار شدن زینت‌های قسمت بالای بدن و دوم مانع آشکار شدن زینت همه اندام زن است، به دست می‌آید که استفاده از مقنعه و چادر، حجاب برتر است؛ هرچند با مقنعه و لباس بلند دیگر نیز زینت زن مخفی شود. طرز پوشش سیده زنان عالم، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام نیز مؤید این ویژگی است. در برخی از گزارش‌ها که رخداد خروج حضرت زهرا علیها السلام از خانه برای احقاق حق خود را نقل کرده‌اند، آمده است: «لا ثلث خمارها علی رأسها واشتملت بجلبابها» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۷)؛ یعنی خمار خود را به سر بست و چادر را روی آن پوشید.

۴-۳. فراگیر (گشاد و بلند)

ویژگی دیگری که برای حجاب برتر از آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» قابل استفاده است، گشادی و بلندی حجاب است. توضیح اینکه کلمه «زینتهن» در آیه مطلق است و به مصداق خاصی از زینت اشاره ندارد؛ بنابراین همه زینت‌های زنان را شامل می‌شود و زن طبق دستور آیه باید همه زینت‌های خود را از نامحرم مخفی کند. از سوی دیگر، بخشی از زینت زن، حجم اندام زن و برجستگی‌های اعضای اوست. این دسته از زینت‌ها دو دسته‌اند: برخی قابل پوشاندن نیستند و زن در قبال آشکار بودن آنها وظیفه‌ای ندارد؛ مانند حجم بدن و کوتاهی و بلندی زن یا چاقی و لاغر او که قابل پوشش نیست؛ ولی بخشی قابل پوشش است؛ مانند برآمدگی‌های اندام زن در قسمت جلو و عقب بدن. پوشاندن این قسم از زینت‌ها، هرچند از نظر شرعی بر زن واجب نباشد، ولی در رجحان و بهتر بودن آن تردیدی نیست و پوشاندن آنها با غرض و هدف حجاب موافق‌تر و هماهنگ‌تر است. این قسم از زینت‌های زن با لباس گشاد و بلند پوشانده می‌شود، نه با لباس تنگ و چسبان.

۴-۴. ساده و غیر دل‌فریب

کیفیت دوخت لباس، نوع لباس، مدل و رنگ آن، به‌تنهایی و در هیئت مجموعی، چشم‌نواز، دلپذیر و مصداق زینت‌اند. این نوع از لباس‌ها که در عرف زن‌ها نیز به لباس‌های مجلسی معروف‌اند و در مجالس جشن و عروسی پوشیده می‌شوند، مصداق «زینت زن» و مشمول «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» هستند. از این‌رو این دسته از لباس‌ها، هرچند ضخیم، گشاد و بلند باشند، چون فی‌نفسه زینت زن هستند و عامل جلب توجه دیگران و طمع‌ورزی در زن می‌شوند، یا اصلاً حجاب اسلامی محسوب نمی‌شوند، بلکه مصداق تبرج‌اند یا دست‌کم حجاب برتر نیستند. بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های حجاب برتر آن است که ساده و بدون طرح باشد و جلب‌کننده توجه نامحرم نباشد.

۵. مصداق حجاب برتر در قرآن

با توجه به ویژگی‌هایی که برای حجاب برتر از منظر قرآن بیان شد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قرآن لباس خاصی را که دارای این ویژگی‌ها و مصداق حجاب برتر باشد، معرفی کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است چند مطلب به‌عنوان مقدمه بیان شود:

الف) انسان به اهداف مختلفی مانند حفظ از سرما و گرما، درمان درد و مرض، رعایت آداب و تشریفات، حفظ اندام از صدمه شمشیر و حفظ از نگاه ناپاک و شهوانی، لباس می‌پوشد. از این‌رو لباس‌های انسان متناسب با مواضع و اندامی که می‌پوشاند و هدفی که برای پوشش آن مواضع در نظر گرفته شده است، نام‌های مختلفی دارد؛ مانند پیراهن، زیرپوش، کلاه، شال، پالتو، درع و کلاه‌خود.

ب) در قرآن نام لباس‌های انسان به‌صورت جزئی و با اسم خاص ذکر نشده؛ بلکه معمولاً با عناوین کلی، مانند لباس، ثیاب، سربال، زینت و حلیه به آنها اشاره شده است. برای نمونه در آیه «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» (اعراف: ۲۶)، با عنوان کلی «لباس» به چیزهایی که انسان با آن ستر عورت می‌کند یا برای تجمل و تشریفات می‌پوشد، اشاره کرده و نامی از قمیص و ازار یا لباس‌های مخصوص تشریفات نیاورده است. همچنین در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» (نور: ۵۸)، با عنوان کلی «ثیاب» به لباس ساتر بدن اشاره کرده و در آیه «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ» (نور: ۶۰) نیز عنوان کلی ثیاب را برای لباس حجاب زن سالمند به کار برده است.

در آیه «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَنَا كُلًّا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسَخَّرُ جُؤًا مِنْهُ حَلِيَّةٌ تَلْبَسُونَهَا» (نحل: ۱۴) نیز با عنوان حلیه به زیورآلات و جواهراتی که انسان خود را با آن زینت می‌کند، اشاره کرده و نامی از اسامی زینت‌های خاص، مانند انگشتر، دستبند، گردن‌بند و خلخال نیاورده است. در آیه «وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَسَرَائِلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ»

(نحل: ۸۱) نیز با عنوان «سربال» که اهل لغت آن را به قمیص و درع و برخی به مطلق پوشیدنی معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۳۳۵)، به دو نوع از لباس انسان که برای حفظ بدن از آسیب بیرونی پوشیده می‌شود، اشاره کرده است. چنان که ملاحظه می‌شود، در هیچ یک از آیات یادشده، از لباس خاصی نام برده نشده است.

ج) قرآن در دو مورد از دو لباس با نام خاص یاد کرده و کیفیت پوشیدن آن را نیز بیان نموده است: یکی در آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱) که نام «خمار» به صورت جمع آمده، و دوم در آیه «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَافٍ» (احزاب: ۵۹) که نام «جلباب» به صورت جمع آمده است. تفاوت این دو آیه با آیات قبل در امور زیر است: - خمار و جلباب دو پوشش مخصوص زن هستند که با اسم خاصشان در آیه آمده‌اند؛ درحالی که در آیات قبل، از عناوین عام پوشش استفاده شده و لباس‌های یادشده نیز بین زن و مرد مشترک بود.

- هدف از پوشیدن خمار و جلباب، حفظ بدن زن از چشم‌های خائن و نگاه‌های شهوت‌آلود و مراقبت از عفت و پاکدامنی زن است؛ درحالی که هدف از پوشش در آیات قبل، اهداف دیگر مانند حفظ از سرما و گرما یا زینت و تجمل بود.

- آیات قبل در مقام اخبار و توصیف لباس بود؛ ولی این آیات در مقام انشا و تشریع حکم شرعی در مورد لباس است.

با توجه به مقدمات یادشده و مقایسه آیات لباس و آیات خمار و جلباب، دو نکته قابل استفاده است: یکی اهمیت و توجه ویژه قرآن به حجاب زن در برابر نامحرم، که به خصوص به صورت جزئی درباره آن بحث کرده و نام خاص لباس و حتی کیفیت پوشیدن آن را نیز بیان کرده است؛ دوم برتری خمار و جلباب نسبت به پوشش‌های دیگر برای راهنمایی بانوان به انتخاب حجاب برتر.

توضیح اینکه پوشش اول، یعنی «خمار»، به تصریح اهل لغت برای پوشش سر زن است (ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۶۲)؛ ولی پارچه‌های دیگری نیز در بین عرب برای پوشش سر بوده است؛ مانند بُخْنُق، غِفَارَه، مَقْنَعَه و مِعْجَر، که کوتاه‌تر از خمار است و برای اهداف دیگری غیر از حجاب پوشیده می‌شود؛ نظیر «صِقَاع» و «غِفَارَه» که برای جلوگیری از سرایت چربی سر به مقنعه پوشیده می‌شده است (جوهری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۴۴)؛ ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳) و «عصابه» که برای درمان سردرد یا بیماری به سر می‌پیچده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۳۷).

ثعالبی اندازه پوشش‌های سر زن و جایگاه هر کدام را به ترتیب این گونه بیان کرده است:

الْبُخْنُق: خرقه تلبسها المرأة، فتغطي بها رأسها، ما قبل منه وما دبر غير وسط رأسها. ثم الغفارة، فوقها ودون الخمار. ثم الخمار، أكبر منها. ثم الثَّصِيف وهو كالتَّصِف من الرداء. ثم المَقْنَعَة. ثم المِعْجَر، وهو أصغر من الرداء. وأكبر من المَقْنَعَة. ثم الرداء (ثعالبی، بی تا، ص ۲۶۸).

یعنی «بخنق» پارچه مخصوص سر است که زن با آن جلو و پشت سرش را می‌پوشاند. بعد از آن «غفاره» روی بخنق

به سر بسته می‌شود. بعد از آن «خمار» است که از غفاره بزرگ‌تر است و لذا غفاره زیر خمار قرار می‌گیرد. بعد از آن «تصیف» است که به اندازه نصف ردا است. بعد، مقنعه و معجر است که کوچک‌تر از رداست و در نهایت، «ردا» است. بنابراین، پارچه‌هایی که بانوان عرب روی سر می‌انداختند، متعدد و در بزرگی و کوچکی و در هدف متفاوت بودند. پوشش دوم، یعنی «جلباب»، از نوع ملحفه و لباس‌های بلند و گشاد است که در فارسی به آن ملافه یا چادرشب گفته می‌شود. بر اساس گزارشی، وقتی حضرت رسول ﷺ با جابر خواست به خانه حضرت زهرا[ؓ] وارد شود و حضرت فرمود: پوشش سر ندارم، پیامبر ﷺ فرمود: «یا فاطمه! خدی فضل ملحفتک فتنی بها رأسک» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۳۴۹)؛ یعنی سرت را با اضافه ملحفهات بپوشان. این نوع از لباس نیز در بین عرب دارای اقسام مختلف با نام مخصوص است. ابن سیده در «کتاب اللباس» (ابن سیده، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۶۳) تحت عنوان ملحفه، انواع مختلفی از لباس‌های بلند را نام برده است؛ مانند ردا (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۹۴)، کسا و لفاع که یکی از آنها جلباب است. «الجلباب: ثوب أوسع من الخمار دون الرداء، تغطي به المرأة رأسها و صدرها» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۳۲)؛ یعنی جلباب فراخ‌تر از خمار و کوچک‌تر از رداست که زن با آن سر و سینه‌اش را می‌پوشاند. قرآن از میان لباس‌های گشاد و بلند، جلباب را برای حجاب زن از نامحرم و حضور در بیرون از خانه (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۵۷۸) معرفی نموده و زنان را به پوشیدن آن به کیفیت خاص امر کرده است. از این رو خمار و جلباب از دیدگاه قرآن دو مصداق برای حجاب برترند.

در گزارش‌های تاریخی، دو مورد آمده است که حضرت زهرا[ؓ] با پوشش خمار و جلباب از خانه خارج شد که این عمل از آن حضرت مؤید برتری این دو مصداق برای حجاب بانوان است: یکی بیرون رفتن حضرت به هدف دیدار پدر بزرگوارشان، که درباره پوشش آن حضرت آمده است: «فَلَيْسَتْ جِلْبَابَهَا وَحَرَجَتْ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (ابن طاووس، ۱۴۲۰ق، ص ۵۲۲)؛ دوم در مورد حضور حضرت زهرا[ؓ] نزد ابوبکر برای گرفتن حق خود. در این مورد نیز کیفیت پوشش آن حضرت چنین توصیف شده است: «لَأَثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَأَشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَدِيثِهَا وَنِسَاءٍ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُبُولَهَا مَا تَحْرِمُ مِشْيَتَهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ»؛ یعنی حضرت زهرا[ؓ] روسری بر سرش بست و چادر بر اندامش پوشید و با گروهی از یاران و خویشان خود حرکت کردند؛ به‌طوری که چادرش به زمین می‌کشید و پایش روی آن قرار می‌گرفت. راه رفتنش از راه رفتن پدرش کم نداشت و با همان عظمت و متانت و وقار رسول اکرم ﷺ حرکت می‌کرد تا وارد مسجد شد و با ابوبکر روبه‌رو گشت (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۷).

نتیجه‌گیری

لباس‌هایی که امروزه مورد استفاده بانوان است و گاه بانوان متدین نیز از آنها برای حجاب استفاده می‌کنند، به چهار دسته قابل تقسیم‌اند:

یک دسته لباس‌هایی که به علت کوتاهی، نازکی، تنگی و چسبانی، مواضع واجب‌الستر را نمی‌پوشانند و مانع آشکار شدن زینت زن نیستند. این دسته از لباس‌ها حد نصاب پوشش را ندارند و در راستای هدف حجاب اسلامی نیستند و مصداق حجاب اسلامی محسوب نمی‌شوند؛ هرچند در عرف، اسم پوشش و حجاب بر آنها صادق باشد.

دوم، لباس‌هایی که اندام زن را می‌پوشانند و مانع آشکار شدن سر و بدن زن برای نامحرم هستند؛ ولی خودشان فی‌نفسه زینت زن‌اند و پوشیدن آنها در انظار عموم مصداق اظهار زینت و تبرج‌اند؛ مانند انواع کت‌وشلوار زنانه با مدل‌های مختلف و انواع روسری‌ها و شال‌های جذاب و زینتی. این دسته از لباس‌ها نیز مصداق حجاب اسلامی نیستند؛ هرچند در عرف و لغت حجاب نامیده شوند.

سوم، لباس‌هایی که اندام زن را می‌پوشانند و خودشان نیز فی‌نفسه زینت نیستند؛ مانند مانتو و روسری‌های ساده با انواع مدل‌های آن.

چهارم، لباس‌های بلند و گشاد که سر و گردن و تمام اندام بدن را می‌پوشانند؛ مانند روسری‌های بلند و وسیع، مقنعه و چادر، که در قرآن با عنوان خمار و جلباب از آنها یاد شده است.

لباس‌های دسته سوم، گرچه به سبب بهره‌مندی از خصوصیات حجاب، مصداق حجاب اسلامی محسوب می‌شوند، ولی به سبب فقدان برخی از ویژگی‌های مثبت در آنها، مانند سرتاسری بودن و داشتن برخی از خصوصیات منفی مانند جدایی پوشش سر از پوشش تن و آشکار کردن برجستگی‌های اندام، حجاب برتر نیستند.

قسم چهارم از لباس‌ها، یعنی لباس‌های بلند، که مصداق کامل آن چادر است، در مقایسه با قسم سوم مثبتات بیشتری دارد و برتر از آنهاست؛ اما با توجه به اینکه امروزه چادر انواع مختلف و مدل‌های متفاوتی دارد (<https://www.hi-hijab.com/>) راهنمای-خرید-چادر-مشکی)، نمی‌توان از چادر و جلباب به‌طور مطلق به‌عنوان حجاب برتر نام برد؛ بلکه باید با قید خاصی که یک نوع آن را مشخص کند، آن را معرفی کرد؛ مانند چادر اصیل ایرانی که همان چادر ساده مشکی است و از زمان‌های گذشته حجاب زنان متدین بوده است یا جلباب قرآنی که مقصود از آن، پارچه بلند و سرتاسری ساده مشکی است که نمونه آن در پوشش حضرت زهرا (ع) گزارش شده است، نه جلباب امروزی. از این رو رهبر شهید انقلاب (ع) بعد از اینکه در دو سخنرانی چادر را بهترین حجاب زنان ایران معرفی کردند (۱۳۷۰/۱۰/۰۴ و ۱۳۷۳/۰۷/۲۰)، در سخنرانی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴ قید «ایرانی» را بر آن افزودند و فرمودند: چادر ایرانی حقیقتاً حجاب برتر است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی صدوق (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی صدوق (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن درید، محمد بن حسین (۱۹۸۷م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۱۷ق). *المختص*. تحقیق: خلیل ابراهیم جفال. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۰ق). *طُرف من الأنباء والمناقب*. مشهد: المرتضی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر والتنویر*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۲ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار المعرفه.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (بی تا). *فقه اللغة*. تصحیح: جمال طلبه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ق). *الصحاح*. بیروت: دار الفکر.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۱۰/۰۴). *بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، جمعی از بانوان متخصص رشته‌های پزشکی و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا*. به نشانی: <https://www.serajnet.org/post/detail/Fa/2-40-9-1-16-0/>
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷/۱۲/۰۴). *بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی*. به نشانی: <https://www.serajnet.org/post/detail/Fa/2-40-9-1-16-0/>
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳/۰۷/۲۰). *بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار به مناسبت ولادت حضرت زینب*. به نشانی: <https://www.serajnet.org/post/detail/Fa/2-40-9-1-16-0/>
- راهنمای خرید چادر مشکی. *سایت های حجاب*. به نشانی: <https://www.hi-hijab.com/> راهنمای خرید-چادر-مشکی
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۰۱). *رساله جامع*. مشهد: دفتر مرجع عالیقدر آیت الله سیستانی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. تصحیح: محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتب.
- صادق تهرانى، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- فراهِیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. تحقیق: طیب موسوی جزایری. قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.

محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۴). *فلسفه چادر، حجاب برتر*. قم: سبط اکبر.

مظاهری، حسین. *رساله توضیح المسائل*. در: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مظاهری. بخش احکام حجاب و پوشش

و زینت. به نشانی: <http://www.almazaheri.ir/Farsi/Index.aspx?TabID=0604&SectionNum=3790>

مکارم شیرازی، ناصر. احکام حجاب، حجاب بانوان. پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی. به نشانی:

<https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?more=1&catid=28148&typeinfo=21&lid=0&pageindex=1>

نیلچی زاده، فروغ (۱۳۸۵). رویکردی قرآنی به گونه ها و مدل های برتر و نازل حجاب. *بانوان شیعه*، (۱۰)، ۳۷-۱۰۲.